

نکاتی در خصوص تصمیم احتمالی درباره کاهش نرخ سود بانکی

مقدمه

چنان که در خبرها آمده است شورای هماهنگی بانکها و نیز برخی از اعضای شورای پول و اعتبار پیگیر کاهش سقف نرخهای سود سپردههای یکساله از ۲۰ به ۱۸ درصد هستند. با عنایت به اینکه تبعات این تصمیم‌گیری احتمالی حائز اهمیت است، مرکز پژوهش‌های مجلس صرفاً تبعات احتمالی این کاهش را بررسی و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه کرده است.

واقعیت این است که روش کنونی تعیین نرخ سود بانکی در کشور از جنبه‌های مختلف، دارای ابهامات و مشکلات زیادی است که بخشی از این مسائل توسط صاحب‌نظران پولی و اساتید اقتصاد اسلامی مطرح شده است. هدف گزارش حاضر نقد مکانیسم تعیین نرخ سود اسمی و رسمی نیست، بلکه تلاش می‌کند تا آثار تصمیم احتمالی شورای پول و اعتبار در خصوص کاهش نرخ سود بانکی را تحلیل کند.

الزامات و تبعات کاهش نرخ سود سپرده بانکی

درباره دامنه کاهش احتمالی نرخ سود سپرده‌های بانکی و تبعات آن چند نکته مهم قابل توجه است:

۱. این تصور برخی سیاستگذاران که صرفاً با افزایش یا کاهش نرخ تورم، نرخ سود بانکی نیز باید به سرعت واکنش نشان دهد ناصحیح است. زیرا غیر از مسئله انتظارات آتی، در تعیین نرخ سود اسمی، صرف ریسک^۱ هم دخالت دارد. به نظر می‌رسد علت بالا بودن نرخ سود بانکی بانکهای کشور در شرایط کنونی، بالا بودن نرخ سود بین بانکی در معاملات کوتاه‌مدت است و علت بالا بودن نرخ سود بین بانکی در معاملات کوتاه‌مدت نیز این است که میزان کسری‌های کوتاه‌مدت بانکها بسیار بالاست. بالا بودن نرخ سود بانکی به خوبی بیانگر وضعیت بد بانکهاست که تلاش می‌کنند آن را آشکار نکنند. اگر چه بانکها توانسته‌اند این موضوع را در صورت‌های مالی خود مخفی کنند، اما از عهده نرخ سود بر نیامده‌اند و نرخ مزبور به خوبی بیانگر این واقعیت تلخ است.

۲. با توجه به واقعیت‌های بازار کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی، تنها سپرده‌گذاران خرد را با کاهش بازدهی مواجه خواهد کرد؛ زیرا بر اساس اطلاعات موجود بسیاری از بانکها نرخ‌های مصوب قبلی را (سقف ۲۰ درصد) نیز رعایت نمی‌کنند و در مورد سپرده‌های کلان به راحتی حاضر به پرداخت نرخ‌های ۲۵ تا ۲۸ درصد هستند.^۲

۳. هم‌اکنون در کشور حدود ۳۴ بانک و مؤسسه اعتباری تحت کنترل بانک مرکزی است، اما در کنار آنها صدها مؤسسه اعتباری و مالی، تعاونی‌های اعتبار و صندوق‌های قرض الحسنه خارج از نظارت رسمی بانک مرکزی (با حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی) در حال فعالیت هستند. با کاهش نرخ سود سپرده‌ها، مؤسسات خارج از نظارت بانک مرکزی موقعیت ممتازتری پیدا می‌کنند و سپرده‌ها و نقدینگی از نهادهای رسمی و تحت کنترل سیاستگذار پولی به مؤسسات غیرمجاز و غیرقابل کنترل سرازیر می‌شود؟

معاونت پژوهش‌های
اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۲۰۱۴۵۴۰

تاریخ انتشار:

۱۳۹۴/۹/۱

۱. Risk Premium

۲. براساس نظر برخی کارشناسان بانکی، معضل اصلی نظام بانکی، عدم رعایت نرخ سود توسط همه بانکهاست. بانکهای منضبط با رعایت نرخ سود، متضرر شده و بانکهای بد، منابع جمع‌آوری نموده و باعث اخلال در بازار می‌شوند.

۴. هرگونه تصمیم برای کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی باید با کاهش متناسب نرخ سود تسهیلات بانکی همراه باشد؛ در غیراین صورت شائبه اقدام کارتل‌گونه شبکه بانکی و احتمال تبانی پنهان برای افزایش حاشیه سود خود به زیان سپرده‌گذاران تقویت خواهد شد.^۱

۵. به نظر می‌رسد تا زمانی که ترازنامه برخی بانک‌ها با مشکلات متعدد و بعضاً بحران ورشکستگی غیررسمی مواجه است امکان کاهش جدی نرخ سود بانکی وجود ندارد. به همین دلیل لازمه اصلاح وضعیت کنونی، حل مشکل ترازنامه‌های بانکی با همکاری دولت، بانک مرکزی و شبکه بانکی است.^۲ توضیح اینکه در شرایط کنونی اغلب بانک‌های کشور به‌علل گوناگون با مشکل کمبود نقدینگی مواجه هستند. در برخی بانک‌ها مشکل از کمبود نقدینگی نیز فراتر رفته و به بحران سرمایه و اعسار تبدیل شده است. چنین بانک‌هایی ناچارند با هدف زنده ماندن و اجتناب از ورشکستگی با هر نرخی پایین‌تر از نرخ‌های تنزیل بانک مرکزی سپرده جذب نمایند. به همین دلیل نیز در طول دو سال گذشته موارد متعدد تخلف بانک‌ها از نرخ‌های مصوب شورای پول و اعتبار گزارش شده است.

۶. اتخاذ تصمیماتی که پیشاپیش تخلف بانک‌ها از اجرای آن محرز است هزینه‌های پنهان فراوانی را به همراه دارد که مهمترین آن کاهش اعتبار شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی در نزد افکار عمومی است. به همین دلیل تمرکز بر اجرای دقیق مصوبات قبلی به مراتب مهمتر از صدور مصوبات جدید است.

نکته قابل بررسی دیگر اینکه در دو سال اخیر بدهی بانک‌ها (به‌ویژه بانک‌های خصوصی) به بانک مرکزی افزایش زیادی داشته و دلیل اصلی افزایش پایه پولی، این متغیر است. حال اگر نرخ سود بانکی کاهش یابد، احتمالاً روند افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، با شدت ادامه می‌یابد و بانک مرکزی به توجیحات سیاسی و اجتماعی، این شکاف منفی را همواره تأمین می‌کند که در نهایت به‌عنوان یک بحران در نظام بانکی مطرح خواهد شد.

۷. اقتصاد ایران به‌دلایلی که هرکدام جای بحث جداگانه دارد با تنگنای تأمین مالی مواجه است. نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این است که وقتی نظام بانکی با کمبود منابع برای اعطای تسهیلات مواجه است، یعنی عرضه وجوه وام دادنی به‌طور نسبی کاهش یافته و صف متقاضیان تسهیلات طولانی‌تر شده است؛ کاهش نرخ تسهیلات و سپرده‌ها چه معنایی غیر از تلاش برای نفوذ در سیستم بانکی و زمینه‌سازی فساد دارد؟

۸. به نظر می‌رسد در ماه‌های اخیر مقامات مسئول به این نتیجه رسیده‌اند که اقتصاد ایران در سطح کلان با کمبود تقاضای مؤثر مواجه شده و می‌توان با استفاده از سیاست انبساطی پولی (افزایش پایه پولی) بر این مسئله غلبه کرد. اقداماتی نظیر اعطای وام ۲۵ میلیون تومانی خرید خورده نیز در همین راستا قابل تحلیل است. با این حال سابقه اقدامات دو سال اخیر (از جمله کاهش نرخ ذخیره قانونی) نشان می‌دهد صرف افزایش نقدینگی نمی‌تواند راه‌حل مناسبی برای مشکل رکود فراگیر در اقتصاد کشور باشد.^۳ سیاست پولی انبساطی در شرایط کنونی کشور به دو شرط اساسی می‌تواند مفید فایده واقع شود. شرط اول تزریق مقدار کافی نقدینگی به اقتصاد کشور است. شرط دوم - که اهمیتی فراتر از شرط اول دارد - چگونگی تزریق نقدینگی مذکور است. تا زمانی که نظام بانکی خود اولین متقاضی و مصرف‌کننده نقدینگی است نمی‌توان انتظار داشت سایر بخش‌های

۱. برخی عنوان می‌کنند که در حال حاضر نرخ اسپرد(حاشیه) سود در ایران به ظاهر پایین است، اما به‌دلیل عمل نکردن بانک‌ها به بخشنامه‌های ابلاغی بانک مرکزی در خصوص نرخ سود این حاشیه سود در یک سطح منطقی قرار دارد. هر چند قیمت تمام شده پول برای بانک‌ها با نرخ سود ۲۰ درصد سپرده با لحاظ نمودن نرخ سپرده قانونی و هزینه‌های غیرعملیاتی بیش از ۲۵ درصد می‌شود، اما به‌نظر می‌رسد نرخ سود عقود مشارکتی در شبکه بانکی در عمل بالای ۲۸ درصد و نرخ سود عقود مبادله‌ای بالای ۲۶ درصد باشد.

۲. محمد جواد شریف‌زاده، معمای نرخ سود بانکی: کالبد شکافی بحران اعسار در برخی نهادهای مالی مجاز، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای، شماره مسلسل ۱۴۳۱۶، ۱۳۹۴.

۳. برخی صاحب‌نظران معتقد هستند، وام ۲۵ میلیون تومانی با خط اعتباری مسکن مهر در دولت قبل مشابهت تمام دارد با این تفاوت که آن برای ساخت مسکن بود (مستقیم منجر به تولید می‌شد) و این برای فروش موجودی انبار که شاید منجر به تولید بیشتر شود.

اقتصادی از جمله تولیدکنندگان از تنگنای اعتباری خارج شوند. به همین دلیل به نظر می‌رسد هدف اصلی تزریق نقدینگی باید حل مشکل نقدینگی و سرمایه نظام بانکی با هدف رسیدن به استانداردهای کفایت سرمایه و نقدینگی مذکور در استانداردهای بین‌المللی بانکداری از جمله استانداردهای بال ۳ باشد. البته بانک‌ها نیز باید ملزم شوند اقدامات اصلاحی مناسب - اعم از ذخیره‌گیری صحیح بابت مطالبات غیرجاری، فروش دارایی‌های غیرمالی، افزایش سرمایه از محل آورده نقدی سهام‌داران و... را به انجام رسانند.

۹. با توجه به بررسی‌های انجام شده در مورد ۲۰ بانک حاضر در بورس، مبلغ سود پرداختی این بانک‌ها به سپرده‌ها بیشتر از سود مشاعی دریافتی از تسهیلات اعطایی است. به عبارت دیگر بیشتر بانک‌های کشور، سود پرداختی به سپرده‌گذاران را از محل سپرده دریافتی جدید تأمین می‌کنند و این نشانگر دور باطل ورشکستگی است که در سال‌های اخیر تشدید نیز شده است. بر این اساس بانک‌ها (به ویژه بانک‌های خصوصی) با اخذ سپرده اقدام به اعطای تسهیلات نمی‌کنند تا باعث رشد اقتصادی شوند. نکته مهم اینکه با شروع دهه ۱۳۸۰ و حضور بانک‌های خصوصی، بانک‌ها کمترین نقش را در تشکیل سرمایه (سرمایه‌گذاری کشور) در طرح‌های مولد داشته‌اند این موضوع در مقایسه تسهیلات بلندمدت دهه ۱۳۷۰، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ قابل استخراج می‌باشد. به عبارت دیگر به غیر از کمیّت تسهیلات اعطایی به کیفیت تسهیلات نیز باید توجه کرد تا کارآیی بانک‌ها را در رشد اقتصادی بررسی کرد.

جمع‌بندی

پرسش مهم این است که چرا در یک اقتصاد بزرگ مانند اقتصاد ایران، بانک مرکزی برای هدایت نرخ سود بانکی جز توسل به شیوه دستوری راه حل دیگری ندارد؟ نرخ سود یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین نرخ‌ها در کل اقتصاد است و به دلایلی مانند ریشه‌های درون‌زایی پول، امکان کنترل آن به صورت دستوری تقریباً محال است. چرا بانک مرکزی تا کنون نتوانسته است ساختاری ایجاد کند که ناچار به تعیین دستوری نرخ سود نباشد؟ اغلب کشورهای دنیا (توسعه یافته و در حال توسعه) فعالانه نرخ سود (نرخ بهره) را در بازار از طرقی غیر از روش‌های دستوری هدایت می‌کنند.

بالا بودن نرخ‌های سود بانکی علامت مشکلات موجود است نه علت آن. هر گونه اقدام اساسی و پایدار باید از توجه صرف به علامت‌ها فراتر رود و بخش زیادی از توجه خود را به علل مشکلات متوجه سازد. لذا در شرایط فعلی کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی توصیه نمی‌شود، اصلاح ساختار حقوقی و کیفیت دارایی‌های بانک‌ها باید در اولویت مقام پولی قرار گیرد. با توجه به نقش مخرب مؤسسات اعتباری غیرمجاز در مدیریت بازار مالی، لازم است مهلتی نیز برای خاتمه دادن به وضعیت این مؤسسات برای بانک مرکزی تعیین شود.

